

## این جنگ به سود مردم ایران نیست

با نزدیک شدن به روز انتخابات ریاست جمهوری در امریکا شاهد شدت گرفتن تهدید حمله نظامی به ایران هستیم. رقبای پست ریاست جمهوری در امریکا در پی جلب رای امریکایی - اسرائیلی ها و کسب کمک های مالی از یهودیان ثروتمند، می کوشند سیاست تندتری بر علیه ایران اتخاذ کنند. نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نیز بر خلاف تمام موازین بین المللی کماکان بر طبل جنگ می کوبد.

در آن سو نیز حکومت اسلامی با ادامه سیاست های ماجراجویانه اتمی - تروریستی و اظهارات ابلهانه سران خود، بهانه حمله نظامی را برای اسرائیل و امریکا فراهم می سازد. حکومت اسلامی که در صحنه سیاسی - اقتصادی به تنگ آمده بمانند رژیم سرکوبگر کره شمالی شانس بقاء خود را تنها در افزایش توان نیروهای نظامی و سرکوبگر خویش یافته است. دیگر به صحنه آمدن سرداران قد و نیم قد سپاه در تلویزیون و نشریات ایران به یک امر عادی بدل گشته است. سردارانی که در این رسانه ها مردم را علنا تهدید کرده و یا با تهدیدات بین المللی بهانه ای برای هرچه نظامی تر شدن منطقه فراهم می کنند.

در این میان مدافعان جنگ امپریالیستی می کوشند القا کنند که گویا حمله نظامی از سوی اسرائیل یا امریکا به سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری یک حکومت دمکراتیک می انجامد. این تنها یک توهم است. حمله محدود خارجی میتواند نظام اسلامی را جریت و نظامی تر کند و یک حمله وسیع نظامی به ایران میتواند تمامی زیرساختهای شهری - اقتصادی ایران را تخریب کرده و ایران را به تلی از ویرانه بدل کند. شاهد این امر حمله امریکا به عراق و افغانستان است که تمامی زیر ساخت های اقتصادی و شهری این کشورها را ویران نموده است. حملاتی که تعداد قربانیان غیر نظامی آن بمراتب بیشتر از قربانیان نظامی آن است. امریکا در این کشورهای اشغال شده هیچگاه احزاب و نیروهای مترقی و مدنی را برسمیت نشناخته است. اما در عوض با صرف میلیاردها دلار تلاش می کند تا حکومت مرتجعترین سران قبایل، شیخ ها، آیت الله ها، مجاهدین، جنگ سالارها و بروکراتها را بر این کشورها تثبیت کند. تجربه عراق و افغانستان نشان داده است که امریکا تلاش میکند نیروهای دست نشانده خود را پس از یک پیروزی نظامی به حکومت برساند و در صورت ناکامی حتی حاضر است دشمنان سابق خود ( مثل طالبان یا بعثی های عراق) را برای بازپس گیری قدرت به مذاکره بخواند. برای امریکا و اسرائیل پیش از آنکه "آزادی" مردم ایران مهم باشد حفظ و گسترش نفوذ سیاسی- نظامی - اقتصادی آنان در منطقه مهم است.

حمله نظامی امریکا یا اسرائیل به ایران یعنی برپایی کشتارگاهی دیگر برای جوانان ایرانی، گرانی و بیکاری بیشتر، تخریب زیر بنای اقتصادی و تشدید و تقویت نیروی سرکوبگر رژیم.

استبداد اسلامی در ایران هراسی از ویرانی کشور و اقتصاد آن ندارد. اما ما مردم ایران بایستی با تمام وجود از ویرانی کشور و نابودی اقتصاد آن جلوگیری کنیم.

متأسفانه - برخلاف زمان حمله امریکا به عراق - شاهد اعتراضات وسیع بین المللی بر علیه سیاست تجاوزگرانه امریکا و اسرائیل نیستیم و این خطر حمله نظامی به ایران را دوچندان می کند. در این میان واکنش نه چندان فعال نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در قبال خطر وقوع جنگ مسئله ای است تأسف بار. در اینجا روی سخن با نیروهای سلطنت طلب یا مجاهدین نیست. این نیروها جهت فعالیت خود را با عقبه قطب نمای سیاست خارجی امریکا همسو کرده اند. این نیروهای سیاسی چپ و مترقی هستند که بایستی خطر حمله نظامی به ایران را جدی گرفته و دست به بسیج افکار عمومی علیه چنین جنگی بزنند.

همزمان با محکومیت رژیم اسلامی و تلاش برای سرنگونی آن بایستی به نیروهای امپریالیستی و اسرائیل گوشزد کنیم که ما نه تنها مدافع این جنگ امپریالیستی نیستیم، که با آن مقابله نیز خواهیم کرد. بهترین راه مقابله با یک جنگ تحمیلی بسیج افکار عمومی بر علیه این جنگ احتمالی است - کاری دشوار اما شدنی. باید کارزاری بر علیه خطر جنگ تدارک دید. کارزاری که هم تلاشهای جنگ طلبانه و اتمی سران رژیم اسلامی را محکوم کند و هم به نیروهای امپریالیستی بگوید "دست ها از ایران کوتاه!"

هیئت تحریریه سایت راه کارگر

14 مرداد 1391